

شهادت زید بن علی در سال 120 هجری قمری

زید فرزند امام زین العابدین(ع) یکی از چهره‌های معروف و درخشان خاندان ولایت و امامت است که در عصر امویان به مبارزه برخاست و با قیام خود بر ضد خلافت هشام بن عبدالملک، حکومت امویان را به لرزه انداخت.



زید فرزند امام زین العابدین(ع) یکی از چهره‌های معروف و درخشان خاندان ولایت و امامت است که در عصر امویان به مبارزه برخاست و با قیام خود بر ضد خلافت هشام بن عبدالملک، حکومت امویان را به لرزه انداخت.

شیخ مفید(متوفای 413 قمری) در الارشاد، درباره شخصیت زید بن علی(ع) می‌گوید: زید بن علی بن حسین(ع) پس از برادر بزرگوارش امام محمدباقر(ع)، از سایر برادران خود بزرگوارتر و برتر بود. وی مردی پارسا، پرهیزکار، فقیه، سخاوتمند و دلاور بود، که شمشیر به دست گرفت و با قیام خود امر به معروف و نهی از منکر کرد و از کشندگان امام حسین(ع) خون‌خواهی نمود.

هم چنین درباره شخصیت عبادی وی، زیاد بن منذر، معروف به ابوجارود گفت: من به مدینه رفته و از هر کسی درباره زید بن علی(ع) پرسش کردم، به من گفتند: ذاك حليف القرآن؛ او، حلیف(هم سوگند)قرآن است.

هم چنین هشام بن هشام گفت: از خالد بن صفوان که شخصیت زید بن علی(ع) را برای ما تعریف می‌کرد، پرسیدم: زید را در کجا دیدار کردی؟ گفت: در رصافه کوفه.

پرسیدم: او چگونه مردی بود؟

گفت: ما علمتَ بیکي من خشية الله حتى یختلط دموعه بمخاطه؛ همان گونه دانستی، او از خوف خدا آن قدر گریه می‌کرد که اشک‌های وی با آب بینی‌اش درهم می‌آمیخت.

گفتنی است که پس از واقعه کربلا و شهادت ابا عبدالله الحسین(ع)، گرچه قیام‌هایی بر ضد امویان از سوی دوستان اهل بیت(ع) برای خون‌خواهی از شهیدان کربلا و یا برای مقاصد دیگر، به وقوع پیوست و حکومت امویان را با خطر جدی روبرو کرد، مانند قیام توابین و قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی، ولیکن از علویان تا زمان زید، قیام و حرکت مهمی پدید نیامده بود و قیام زید بن علی(ع)، سرآغاز قیام‌ها و جنبش‌های علویان بر ضد امویان و پس از آنان، بر ضد عباسیان بود.

این امر، نشان می‌دهد که در عصر غربت علویان و خاندان پیامبر(ص) که کسی را یارای مخالفت و مبارزه با امویان نبود، این علوی‌زاده دلیر با تلاش‌های بی‌دریغ خود بار دیگر دوستان اهل بیت(ع) و شیعیان را به حرکت درآورد و قیام بزرگی را پایه‌گذاری کرد.

از برخی روایات به دست می‌آید که شیعیان و دوستان اهل بیت(ع) در کوفه با آگاهی از روحیه مبارزه‌جویی زید بن علی(ع) و مخالفت پنهان و آشکار او با دستگاه خلافت بنی‌امیه، از او دعوت کردند که از مدینه به کوفه رفته و رهبریت قیام ضد اموی را بر عهده گیرد.

زید با برادر بزرگوارش امام محمدباقر(ع) در این باره مشورت کرد. امام(ع) وی را از زود هنگام بودن قیام و بی‌نتیجه بودن آن، باخبر کرد.

به همین جهت، زید به احترام نظر امام و برادرش امام محمدباقر(ع) در حیات آن حضرت، اقدام به قیام و مبارزه نکرد.

اما چند سال پس از شهادت امام محمدباقر(ع)، که زورگویی‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز عامل خلیفه در مدینه غیرقابل تحمل شده بود، زید به شام رفت تا از دست وی در نزد هشام بن عبدالملک شکایت نماید. ولی هشام، نه تنها به شکایت‌های زید اعتنایی نکرد، بلکه او را از شام بیرون نمود.

این امر سبب گردید که زید، تصمیم نهایی خود را بگیرد و به سوی کوفه رهسپار گردد تا در جمع مبارزان این شهر با دستگاه خلافت به مبارزه و قیام برخیزد.

وی پس از آن که وارد کوفه شد، مردم این شهر را به طور پنهانی به مبارزه دعوت کرد و عده‌ای به او پیوستند ولی زید تعداد آنان را

برای يك مبارزه کافی نمی‌دانست. به همین جهت پس از چهار ماه اقامت در کوفه، تصمیم به خروج از این شهر گرفت تا به مدینه برگردد. اما مخالفان بنی‌امیه و شیعیان که از تصمیم او آگاهی یافته بودند، به سراغش رفته و او را در قادسیه یافتند و از وی درخواست کردند که به کوفه برگردد و آنان او را به طور جدی یاری خواهند داد و نیروی رزمی و تجهیزات جنگی لازم را برایش فراهم خواهند کرد.

زید بن علی(ع) دوباره به کوفه برگشت و به مدت ده ماه در این شهر اقامت نمود و دو ماه از آن را به بصره رفته و مردم این منطقه را نیز به مبارزه دعوت کرد.

تشکیلات و نیروسازی زید چنان با برنامه و پنهان‌کاری پیش می‌رفت که یوسف بن عمر، استاندار کوفه با تمام تلاشی که به کار می‌بست، اطلاعات چندانی از او به دست نمی‌آورد. تا این که هشام، نامه‌ای به استاندار کوفه نوشت و او را از خطر قریب‌الوقوع زید بن علی(ع) با خبر گردانید.

یوسف بن عمر از آن زمان، حساس‌تر شد و با تمام تلاش در پی یافتن زید برآمد. زید بن علی(ع) با ارسال نمایندگانی به برخی از شهرهای دیگر، مانند مدائن، بصره، واسط، موصل، خراسان، ری و جزیره، شیعیان این مناطق را به قیام ضد اموی دعوت کرد.

تنها در کوفه پانزده‌هزار نفر با او بیعت کرده و اعلان آمادگی برای مبارزه با دستگاه جبار اموی نمودند.

در میان بیعت‌کنندگان، فرقه‌های مختلف فقهی و کلامی اهل سنت و پیروان اهل‌بیت(ع) حضور داشتند و همگان در مبارزه بر ضد امویان هم‌رأی شده بودند.

یوسف بن عمر برای یافتن زید، اقدام به کارهای مختلفی نمود و فضای کوفه را بسیار تیره و تار کرد. همین امر سبب گردید که زید بن علی(ع) يك هفته زودتر از موعد مقرر قیامش را آغاز نماید. بدین جهت تعداد کمی از بیعت‌کنندگان توانستند خود را به زید رسانیده و در رکاب او حاضر شوند.

زید در روز اول صفر سال 120 قمری (به روایتی 121 و به روایتی دیگر 122) با شعار "یا منصور امت امت" که شعار پیامبر(ص) در جنگ بدر بود، قیام خود را آغاز کرد. تعداد یاران او از 220 تا 500 تن تجاوز نمی‌کرد. آنان که با سپاهیان یوسف بن عمر و سپاهیان که از شام آمده بودند به جنگ و گریز پرداختند. درگیری میان طرفین، دو روز ادامه یافت. تعداد زیادی از سپاهیان شامی به دست یاران زید کشته و زخمی شدند.

با این که یاران زید نسبت به شامیان و سپاهیان یوسف بن عمر بسیار اندک بودند، در عین حال، دو روز مبارزه را با سرافرازی به پیش بردند.

اما در گرما گرم نبرد تیری به پیشانی زید بن علی(ع) اصابت کرد و او را از کار انداخت. یارانش با فرارسیدن شب، پراکنده شده و تعداد اندکی از آنان، بدن نیمه جان وی را در خانه یکی از شیعیان مخفی کرده و برای درمانش پزشکی آوردند. پزشک پس از تلاش زیاد، چاره‌ای جز بیرون آوردن پیکان تیر از پیشانی زید ندید. اما همین که تیر را بیرون آورد، روح شریفش از بدن مفارقت کرد و به لقاءالله پیوست.

یاران و فرزندان او، بدنش را در جویی دفن نموده و بر روی آن آب روان جاری کردند.

از زید بن علی(ع) در هنگام شهادتش، چهل و دو سال گذشته بود.

بازماندگان سپاه زید و فرزندان او، از جمله یحیی بن زید، پس از دفن بدن وی، پراکنده شده و بسیاری از آنان، توانستند از کوفه گریخته و به شهرهای دیگر روند.

یوسف بن عمر که برای پیدا کردن جسد زید، جایزه مهمی تعیین کرده بود، با راهنمایی یکی از آنانی که شاهد دفن وی بود، مدفن او را پیدا کرد و پس از نبش قبر، سرش را از بدن جدا کرد و برای هشام بن عبدالملک در شام فرستاد و بدنش را در محله کناسه کوفه به دار آویخت.

به همراه زید، بدن برخی از یاران نزدیک او چون نصر بن خزیمه، معاویه بن اسحاق و زیاد بن عبدالله فهری نیز به دار آویخته شد.

بدین ترتیب، قیامی که می‌رفت ریشه ظلم و تجاوز را در جامعه اسلامی، به ویژه در منطقه عراق به خشکاند و نهال عدالت اسلامی را بارور کند، به دست دژخیمان خلیفه اموی به شکست و نابودی کشیده شد.

این واقعه، به همان صورتی که امام محمدباقر(ع) و امام جعفرصادق(ع) پیش‌گویی و پیش‌بینی کرده بودند، واقع گردید.

به دستور دستگاه خلافت، جسد زید و یارانش بر بالای چوبه‌های دار باقی ماندند و برای پاسداری از آن‌ها، چهارصد نفر را مأمور کردند.

پس از گذشت چهار سال که یحیی فرزند زید در خراسان قیام کرد و به شهادت رسید و سرش را نزد ولید بن یزید(دهمین خلیفه امویان) در شام بردند، وی دستور داد تا جسد زید را آتش زده و خاکسترش را بر باد دهند.